

تشیع و وقف در عصر صفوی

دکتر نزهت احمدی*

چکیده

مقاله حاضر به بررسی ارتباط وقف با تشیع، تأثیر گسترش تشیع در ایران، تأثیر نهاد آموزش دینی بر گسترش تشیع و نقش تشیع در جهت‌دهی به موقوفات در دوره صفوی پرداخته است و بر آن بوده است که نشان دهد چگونه گسترش وقف توانست بر روند گسترش تشیع در ایران تأثیر گذارد. همچنین مشخص می‌کند که سیاستهای حاکم بر جامعه در حالی که از سویی به تقویت و گسترش وقف دامن می‌زد از سوی دیگر با استفاده از این گسترش به رواج سیاست مذهبی خود، یعنی گسترش تشیع در جامعه کمک می‌کرد. برای درک بهتر چگونگی گسترش تشیع در ایران عصر صفوی، بررسی وقفنامه‌ها و اسناد وقفی این دوره و تجزیه و تحلیل آنها لازم به نظر می‌آید.

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین شده است و اسناد وقفی سه شهر اصفهان، کرمان و مشهد به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.^(۱)

واژه‌های کلیدی

تشیع، نهاد، وقف، صفوی، آموزش.

مقدمه

به‌طور کلی نهاد وقف و کارکردهای آن در جامعه از موضوعات مهمی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این نهاد با در دست داشتن امکانات مالی بسیار و نیز داشتن صبغه مذهبی جایگاه ویژه‌ای در جامعه داشته و می‌توانسته است تأثیراتی دیرپا بر جامعه بگذارد. از این روی بررسی و پژوهش در مورد این نهاد و کارکردهای آن می‌تواند پژوهشگران را به شناخت دقیق و جامع‌تر تاریخ فرهنگی و اجتماعی کشور ما رهنمون سازد.

بنابر شواهد و قرائن تاریخی، از یک سو عصر صفویان از دوره‌هایی است که نهاد وقف در آن گسترش بسیار یافت و این گسترش، خود بر سایر جنبه‌های اجتماع تأثیری مستقیم یا غیر مستقیم گذاشت و از دیگر سوی در این عصر شاهد رسمیت یافتن آیین تشیع و سپس گسترش و رواج چشمگیر آن هستیم. از این‌روی این سؤال مطرح می‌شود که نهاد وقف بر گسترش تشیع در ایران چه تأثیری داشته است؟ و به دنبال این پرسش، فرضیه‌ای ارائه شده آن است که گسترش موقوفات خاص شیعه، بر روند گسترش تشیع در ایران تأثیر داشته است.

در زمینه تأثیر موقوفات بر گسترش تشیع و ارتباط این دو با یکدیگر کار مستقلی انجام نگرفته است. البته برخی تحقیقات در زمینه گسترش تشیع و عوامل مؤثر بر آن در دوره صفوی انجام پذیرفته است، اما این گونه تحقیقات با موضوع این مقاله تفاوت دارند.

مدخل

آنچه به‌طور مرتب تکرار شده است و جای هیچ شکی نیز در آن نیست مسأله رسمیت بخشیدن شاه اسماعیل بنیانگذار سلسله صفویه به مذهب شیعه است. تمام منابع اذعان دارند که شاه اسماعیل با وجود آنکه هنوز بسیار جوان بود و خطره‌های زیادی نیز حکومت نو پای او را تهدید می‌کرد، از سر اخلاص و اعتقاد قلبی بر این باور بود که دارای مأموریتی الهی است و حتی با وجود آنکه برخی از یاران نزدیکش او را از عاقبت این کار بر حذر کرده بودند و اعتقاد داشتند به دلیل کثرت اهل تسنن بهتر است وی چندی اعلام این قضیه را به تأخیر اندازد، اما شاه اسماعیل به این مصلحت‌اندیشی‌ها وقعی نگذاشت و بنابر اعتقادی که به مأموریت خود داشت از همان ابتدا با جدیت بر سر عقیده خود باقی ماند و حتی برای اجرای منظور خود از اعمال خشونت‌آمیز نیز استفاده کرد.^(۲)

بر اساس این گفتار و نیز با توجه به گفته‌های برخی نویسندگان در مورد نبود منابع فقهی شیعه در ایران آن روز و مبنا قرار دادن بخشی از کتاب قواعد الاحکام^(۳) مطهر حلی

که نزد قاضی نصرالله زیتونی وجود داشت (۱۴: ص ۱۵۰ / ۷: ص ۸۶). گاهی این تصور به وجود می‌آید که محیط ایران یکپارچه در اختیار تفکر تسنن بوده و شیعیان در آن نفوذی نداشته‌اند. حال آنکه ما می‌دانیم از گذشته برخی از نقاط ایران مراکز تجمع شیعیان بوده است و بنابراین نمی‌توانسته است تا بدین حد از وجود منابع فقهی شیعه تهی باشد، به ویژه که در همین دوره به اسامی فقهای شیعه‌ای برخورد می‌کنیم که نشان از ایرانی بودن دارند. شاید در اینجا بتوانیم این استدلال را بپذیریم که احتمالاً این ضعف فقط در برخی از شهرها و از جمله در تبریز بوده است و در مورد کل ایران مصداق ندارد. (۴: ص ۸۰۸).

به هر حال پس از این که تشیع در ایران آیین رسمی شناخته شد، طبیعی بود که می‌بایست کوششی برای اشاعه آن صورت گیرد و البته این کار به انحای مختلف انجام شد و در نهایت اکثریت جمعیت ایران به تشیع گرویدند. اگر بپذیریم که شاه اسماعیل دوم تلاشی برای بازگرداندن ایران به آیین تسنن کرد، باید نقش تشیع غالب را در سقوط او در نظر بگیریم.^(۴)

یکی از اموری که موجب گسترش تشیع شد، وقفیاتی بود که جنبه‌های تبلیغاتی برای این آیین داشت. یعنی موقوفاتی که برای انجام مراسم مذهبی، تعلیم و تربیت داعیه‌داران مذهب و سایر مؤسسات مذهبی وقف شده بودند.

کارکرد این موقوفات با سیاست دینی حکام صفوی هماهنگ بود و خود آنان و عمالشان احتمالاً با توجه به این سیاستها مبادرت به انجام این گونه موقوفات می‌کردند، اما می‌توان تصور کرد که برخی از واقفان که فقط برای کسب ثواب اقدام به وقف می‌کردند، از تأثیرات جانبی آن بی‌اطلاع بودند.^(۵) البته تمامی آنان مایل به اشاعه آیین تشیع بودند ولی شاید از راهکارهای آن چندان اطلاع نداشتند و خود نمی‌دانستند که در روند گسترش تشیع در ایران چه گام‌های اساسی و مهمی برداشته‌اند. اگرچه تلویحاً و به‌عنوان یک آرزوی قلبی موقوفه خود را عاملی برای اشاعه اسلام می‌خواندند.^(۶)

البته مسأله ثبات سیاسی را نیز که در دوران صفویه پدید آمد نباید فراموش کرد. این ثبات طولانی مدت زمینه‌ای مناسب برای توسعه و گسترش بسیاری از نهادهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایجاد کرد که بدون آن تصور گسترش وقف محال به نظر می‌رسد. در سایه امنیت و آسایش این دوره بود که اقتصاد رونق گرفت، تجارت فعال شد و هنر و معماری شکوفا گشت و در نهایت در سایه همین آرامش بود که فرصتی برای امور فرهنگی و از جمله وقف اموال برای اشاعه آیین تشیع که خود تقویتی عظیم از دولت صفوی بود، حاصل آمد. این مدعا با نگاهی به وقف‌نامه‌ها و تاریخ تراکم موقوفات به آسانی ثابت می‌شود. از لحاظ زمانی هرچه از دوره اولیه صفوی؛

که زمان کشورگشایی‌ها و معارضه با همسایگان خارجی و یاغیان داخلی است، فاصله می‌گیریم بر تعداد موقوفات افزوده می‌شود و در نهایت تراکم عمده وقف را در سالهای پس از ۱۰۰۰، که دوران تحکیم و تثبیت است، شاهد هستیم.

جدول زیر که براساس تاریخ اولین وقفنامه به‌دست آمده تنظیم شده است، میزان موقوفات در هر دهه را مشخص می‌سازد.

تعداد وقف‌نامه‌ها در هر دهه

مشهد	کرمان	اصفهان	آستان ق	تاریخ	دهه
۰	۰	۰	۲	۹۲۵-۹۳۵	۱
۰	۰	۰	۱	۹۳۵-۹۴۵	۲
۰	۰	۰	۱	۹۴۵-۹۵۵	۳
۰	۰	۱	۲	۹۵۵-۹۶۵	۴
۰	۰	۰	۰	۹۶۵-۹۷۵	۵
۰	۱	۰	۰	۹۷۵-۹۸۵	۶
۰	۰	۰	۰	۹۸۵-۹۹۵	۷
۱	۰	۰	۰	۹۹۵-۱۰۰۵	۸
۰	۰	۰	۰	۱۰۰۵-۱۰۱۵	۹
۱	۱	۱	۲	۱۰۱۵-۱۰۲۵	۱۰
۱	۰	۰	۱	۱۰۲۵-۱۰۳۵	۱۱
۱	۰	۳	۰	۱۰۳۵-۱۰۴۵	۱۲
۱	۱	۴	۰	۱۰۴۵-۱۰۵۵	۱۳
۳	۰	۵	۱	۱۰۵۵-۱۰۶۵	۱۴
۰	۱	۴	۱	۱۰۶۵-۱۰۷۵	۱۵
۳	۱	۵	۷	۱۰۷۵-۱۰۸۵	۱۶
۵	۰	۴	۱۰	۱۰۸۵-۱۰۹۵	۱۷
۱	۰	۱۰	۲	۱۰۹۵-۱۱۰۵	۱۸
۰	۲	۴	۵	۱۱۰۵-۱۱۵۵	۱۹
۲	۲	۳	۲	۱۱۱۵-۱۱۲۵	۲۰
۱	۱	۱۲	۴	۱۱۲۵-۱۱۳۵	۲۱

تأثیر موقوفات بر گسترش تشیع در ایران

در این که پیش از ظهور صفویان مذهب حاکم و نیز مذهب اکثر ساکنان ایران تسنن بود جای هیچ گونه شکی نیست، همان گونه که در تسلط و غلبه تشیع در پایان این دو دمان شکی وجود ندارد. البته سخن درباره دلایل این موضوع از بحث ما خارج است، اما از بررسی آثار وقف به عنوان یکی از عوامل کمک‌کننده به این مسأله ناگزیر هستیم.

مسأله اعتبار آمیخته به قداست شاهان صفوی، به ویژه شاه اسماعیل^(۷) و شاه طهماسب و اثر آن را در اشاعه فرهنگ مذهبی، نباید از یاد برد. در کتاب *سفرنامه ونیزیان در ایران* از عشق و علاقه مردم به شاه صفوی این گونه سخن رفته است:

«عشق و علاقه‌ای که مردم ایران به شاه دارند باور نکردنی است، زیرا مردم او را نه همچون شاه بلکه مانند خدا می‌پرستند زیرا از سلالة علی^(۴) است که بزرگترین مایه عشق و احترام ایشان است.» (۶: ص ۴۴۵).

درست است که احتمالاً رسمیت بخشیدن به تشیع، در ابتدا، تا اندازه‌ای با فشار و اعمال زور و خشونت همراه بود، اما طبیعی است که کاربرد زور مدتی طولانی نمی‌توانست دوام آورد. مسلماً موقعیت شاه اسماعیل در ابتدا به عنوان مؤسس با دیگر پادشاهان این سلسله تفاوت‌های اساسی داشت، همچنین جایگاه او نزد پیروانش؛ به ویژه تا پیش از شکست چالدران، به وی نوعی جنبه قداست و تقدس داده بود که وی را در استفاده از شیوه‌های زورمندانه برای پیشبرد اهدافش یاری می‌داد به هرحال آرام آرام در اثر گذشت روزگار، شیوه زور و خشونت جای خود را با دیگر شیوه‌ها، از جمله شیوه فرهنگی عوض کرد.

داعیه‌داران مذهب شیعه که به دلیل نبود شرایط مناسب، تعدادشان در ایران کم بود از خارج از کشور دعوت شدند و کار تبلیغ و ترویج آیین تشیع برعهده آنان گذاشته شد. برای انجام بهتر این کار نیاز به مکانهای مناسب^(۸) و ابزار تبلیغ بود که شاهان صفوی خود به عنوان کسی که مسئولیت این کار را برعهده دارد شروع به فعالیت کردند و با صرف مبالغ بسیار، هم زمینه را برای مهاجرت علما فراهم آوردند و هم وسایل لازم برای پیشرفت کار آنان را در جامعه مهیا کردند.^(۹)

شاید صحیح نباشد که تصور کنیم کار تغییر دین و مذهب امر ساده‌ای است که با فرمانی هر چند خشک و خشن به راحتی در جامعه مورد پذیرش واقع شود، بی‌آنکه مقاومتی صورت گیرد و یا مردم پنهانی بر آیین پیشین خود پایداری نکنند. در چنین مواردی تاریخ ثابت کرده است که اگر این فشار زودگذر باشد، به محض برطرف شدن

آن باز مردم به سراغ همان باورهای پیشین خود خواهند رفت. پس دولت صفوی اگر به جد قصد تغییر مذهب مردم را داشت می‌بایست راهی برگزیند که تأثیرات دیرپایی داشته باشد، چرا که خود می‌دانست برای طولانی مدت، قادر نخواهد بود با تهدید و ارعاب مردم را به آیین خود وفادار نگه دارد. از آن روی به مرور، هر قدر از شیوه خشونت‌ها کاسته شد، سرمایه‌گذاری بیشتری بر بُعد فرهنگی این آیین انجام پذیرفت.

شاید شاهان صفوی با آگاهی و درایت از این مسأله، خود از پیشگامان جایگزینی شیوه‌های فرهنگی به جای اعمال زور بودند. حداقل می‌دانیم که آنان در وقف اموال خود برای امور فرهنگی - مذهبی نقش اول را ایفا کردند. شاه عباس اول با سیاست بسیار هوشیارانه خود، که حتی انگشتی خود را وقفی اعلام داشته بود، (۳: ص ۱۲۵۰) خطوط فرهنگی - مذهبی کشور خود را به گونه‌ای روشن ترسیم کرد، که نه فقط تا پایان این خاندان، که هنوز هم تأثیرات آن در جامعه به خوبی آشکار است.

از وقف‌نامه‌های به دست آمده و گزارش‌هایی که در برخی کتب وجود دارد می‌توان چنین استنباط کرد که در خاندان شاهی تلاشی معنی‌دار در جهت وقف اموال برای امور مذهبی وجود داشته است. قاضی احمد قمی ضمن بیان حوادث سال ۹۶۹ که سال درگذشت شاهزاده مهین بانو ملقب به شاهزاده سلطانم، دختر کوچک شاه اسماعیل است، به ستایش از رفتار پسندیده وی پرداخته و اشاره‌ای نیز به موقوفات او برای چهارده معصوم کرده است.^(۱۰) (۹: ص ۴۳۱ - ۴۳۰) لفظی که گاه در میان موقوفات دیده می‌شود و شاه عباس به چنین وقفی معروف است. همچنین سید حسین استرآبادی در کتاب/ از شیخ صفی تا شاه صفی از موقوفات مادر شاه اسماعیل دوم گزارش داده است (۲: ص ۱۶۰).

ادامه تحصیل، رسیدن به مقامات عالی اداری و مذهبی، مواصت با خاندان‌های برجسته، کسب اعتبار در جامعه، همه و همه در گرو پیروی از اعتقادات و باورهای مورد قبول جامعه بود که خط و خطوط آن نیز به روشنی از سوی حاکمان ترسیم شده بود.

این بدان معنا نیست که جامعه در درون خود هیچ تنشی را شاهد نیست و با سیاستی که در صدد یک سو به کردن آن است، به مسیر دلخواه در حال حرکت است، بلکه در همین دوره تنش‌های بسیاری را میان گرایش‌های فکری تشیع شاهدیم (۴: ص ۶۰۴-۵۱۵). تنش‌هایی که گاه در پی آن افرادی از سوی مخالفان خود به کفر و الحاد متهم شده‌اند. اما آنچه هست تنش‌ها، دیگر مانند دوره آغاز این حکومت میان اهل تسنن و تشیع نیست، بلکه بیشتر در درون جامعه یکسان شده شیعی مذهب است.

از این مسأله شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که تشیع به عنوان مذهب غالب توانسته است در تمامی سطوح جامعه نفوذ کند. اینجا این سؤال مطرح است که چگونه این نفوذ میسر شده است؟ اگر عوامل تبلیغات فرهنگی را نادیده بگیریم یا بخواهیم از کنار آن به سادگی بگذریم دچار اشتباه می‌شویم. به نظر می‌رسد کارسازترین عامل، که حتی بر کارآیی شمشیر قزلباشان شاه اسماعیل هم برتری داشت، همین عوامل فرهنگی است. این عوامل فرهنگی در طی حکومت صفویان به طور مرتب و مستمر با حمایت‌های خاندان شاهی و بزرگان دین و دولت در جامعه ایرانی تأثیرات خود را برجای گذاشتند.

موقوفات با کارکردهای توانای فرهنگی— مذهبی خود یکی از کارسازترین راههای نفوذ فرهنگی را در جامعه فراهم ساختند. اگر به تنوع موقوفات توجه کنیم تقریباً در همه جنبه‌های گوناگون اثری از وقف را شاهد هستیم. مساجد، مدارس، حمامها، آب انبارها، کاروانسراها، شفاخانه‌ها، سقاخانه‌ها، مزارات، دارالایتم‌ها، نوانخانه‌ها، همه و همه از یکسو جنبه‌هایی از وقف را در خود جای داده‌اند و از دیگر سو با زندگی روزمره مردم سروکار دارند. هرکسی به هر کجا که می‌رود و به هر سو که می‌نگرد نه فقط جنبه‌هایی از وقف و موقوفات را می‌بیند بلکه آنرا کاملاً احساس می‌کند، با آن خو می‌گیرد و سپس به آسانی جنبه‌های تبلیغی آن را بر خود می‌پذیرد.

جدول زیر که براساس اسناد وقفی سه شهر اصفهان، کرمان و مشهد تنظیم شده است میزان موقوفات برای هر یک از موارد فوق را نشان می‌دهد.

جدول مصارف کلی وقف

تعداد	مصرف وقف	تعداد	مصرف وقف
۱۱	اطعام	۲۴	مدرسه
۲	سادات	۱۲	مسجد
۲۳	اولاد	۱۴	زوار
۳	غلامان	۱۴	تعزیه‌داری
۴	اشخاص	۶۰	امامان و امامزادگان
۲۲	منفرقه	۳۶	روشنایی، فرش و مرمت

موارد متفرقه‌ای که در اینجا مورد نظر است، عبارت‌اند از: مورد وقف بر تعمیر حمام، یکی در اصفهان و دیگری در اسناد آستان قدس. ساخت و نگهداری سقاخانه، ۲ مورد در اسناد اصفهان و یک مورد در اسناد آستان قدس. ۳ مورد وقف بر خانقاه، ۲ مورد وقف بر فقراء، ۱ مورد وقف برای آزاد کردن برده که در زمره اسناد اصفهان است. ۳ مورد وقف بر دارالشفا و بیماران که ۲ سند در آستان قدس و ۱ سند در اصفهان موجود است و مواردی مانند: وقف برای استنساخ کتب احادیث و تفاسیر، وقف برای کوک کردن ساعت حرم امام رضا^(ع)، وقف برای ساختن رباط، کاروانسرا، بقعه، پل و همچنین وقف جهت شربت‌خانه حرم امام رضا^(ع)، از موارد نادری است که در این وقف‌نامه‌ها دیده شده است.

اما به طور کلی با توجه به آمار نوع مصرف موقوفات، این نتیجه به دست می‌آید که بیشترین موقوفات در جهت تبلیغات مذهبی قرار داشت. در وهله اول وقف بر مزار امامان و امامزادگان (۶۰ مورد) بیشترین موقوفات را به خود اختصاص داده است و پس از آن وقف جهت روشنایی، فرش و مرمت بناهای مذهبی با ۳۶ مورد و وقف جهت مدارس با ۲۴ مورد پس از آن مهمترین نوع مصرف موقوفات است. سپس وقف بر تعزیه‌داری و زوار هر یک با ۱۴ مورد و وقف بر مساجد با ۱۲ مورد، همگی در زمینه اهداف مذهبی- تبلیغی قرار دارند. به طوری که با دیگر موقوفات نه از نظر تعداد و نه از نظر ارزش موقوفه قابل قیاس نیستند.

همان‌گونه که پیش از این آمد، ماهیت نظام حکومت صفوی بر پایه دینی و با گرایش به آیین تشیع اثنی‌عشری استوار بود. در ابتدای این حکومت از شمشیر قزلباشان برای استقرار بخشیدن به آیین تشیع بهره بسیار بردند، اما همان‌گونه که قبلاً هم گفته شد این شیوه در درازمدت نمی‌توانست مثمرتر باشد و به‌زودی شیوه‌های تبلیغی جایگزین آن گردید. سوق دادن کارکرد نهاد وقف به سوی اهداف سیاسی حکومت یکی از راههای رسیدن به آن هدف بود و از این روی شاهان صفوی خود در این راه پیشگام بودند.

نهاد وقف، نهادی ریشه‌دار و با کارکردهای نسبتاً ثابت و مشخص در جامعه بود و تنها به دوره صفوی تعلق پیدا نمی‌کرد. آنچه در اینجا دچار تغییر و دگرگونی در نهاد وقف شد، تعلق آن به گرایشهای فکری نهاد دینی در آن عصر بود، که با رسمیت یافتن آیین تشیع نهاد وقف در ایران در خدمت این آیین قرار گرفت و کاری را که قزلباشان برای اشاعه تشیع در جامعه آغاز کرده بودند، با شیوه‌ای دیگر دنبال کرد.

کثرت موارد وقف برای حرم امامان و امامزادگان، گویای ارج نهادن جامعه به مظاهر آیین تشیع است. البته مطمئناً این موارد وقف در ابتدا از سوی مردمی که به تازگی تغییر مذهب داده بودند، انجام پذیرفت، بلکه از سوی دولتمردان و بزرگان که در رأس آنان شخص شاه قرار داشت، انجام گرفت. این نوع موقوفه به مرور نوعی ارزش در جامعه شد و در جهت همین ارزشها، و همراه با سیاستهای مذهبی حکومت به پیش می‌رفت.

نکته جالب توجه دیگر، دوره زمانی این موقوفات است. در دوره دوم حکومت صفویان که با شاه عباس اول آغاز شد، شاهد موقوفات عظیم و بی‌مانند وی برای چهارده معصوم هستیم. این موقوفات می‌توانست برای پادشاهی که حتی انگشتی دستش نیز وقف بود، مقبولیت و مشروعیت به ارمغان آورد. همچنین نوع مصارف موقوفات او سرمشقی برای سایر بزرگان دربار بود تا از آن پیروی کنند. همه اینها همراه با رونق اقتصادی و امنیتی که در دوره شاه عباس اول به وجود آمده بود زمینه را برای رشد چشمگیر وقف مهیا کرد. با فراهم آمدن این بستر مناسب، در زمان جانشینان او شاهد رشد فزاینده وقف هستیم. در این دوره در سایه ثبات و آرامشی که وی ایجاد کرده بود، فرصتی حاصل آمد تا بیشتر به مسائل فرهنگی- مذهبی پرداخته شود. مدارس علمیه بزرگی که هر یک شاهکار هنر و معماری زمان خود بود، در ایران و به‌ویژه در اصفهان از راه وقف ایجاد شد.

شعبه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تأثیر نهاد آموزشی دینی بر گسترش تشیع در ایران

تبلیغات در جامعه تأثیری شگرف دارد که چشمپوشی از آن ناممکن است. این تبلیغات برای اشاعه دین نیز تأثیر بسیار دارد، حتی نقش تبلیغی پیامبران در جهان بسیار مهم بوده است و در واقع کار اصلی آنان تبلیغ و ترویج آیین الهی در جامعه بوده است. از آنجا که ایران عصر صفوی کشوری بود که به تازگی مذهب شیعه در آن رسمیت یافته بود، تبلیغ می‌توانست در اشاعه این مذهب بسیار مؤثر باشد. اما مسؤلیت این تبلیغ با چه کسی بود و این تبلیغات را چه کسانی باید انجام می‌دادند؟ طبیعی است که قبل از هر کس خود حکومت که بانی رسمیت یافتن این آیین در ایران بود می‌بایست کاری را که آغاز کرده است به ثمر برساند. پس اولین مبلغ دولت بود. اما دولت نمی‌توانست به‌طور مستقیم این وظیفه را دنبال کند، از این روی به کمک کسانی نیاز داشت که خود

وظیفه اشاعه دین را در جامعه برعهده داشتند. حکومت صفوی با حمایت از روحانیان به این مهم پرداخت یکی از راههای حمایت از دین و روحانیان، گسترش مدارس و در نهایت توسعه نهاد آموزشی دینی بود که این مهم به خوبی انجام پذیرفت. بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد که پیشرفت نهاد آموزشی دینی در جامعه، گسترش تشیع را به دنبال داشته است.^(۱۱)

نقش تشیع در گسترش و جهت‌دهی به موقوفات

وقف بر مساجد و مدارس و وقف بر امور عام‌المنفعه مانند ساختن کاروانسرا، پل، حفر قنات و نیز وقف بر دستگیری از فقرا در میان تمام ملل مسلمان رواج داشت. اما وقف بر امامزاده‌ها، وقف بر مراسم تعزیه‌داری و روضه‌خوانی امیرالمؤمنین و سید الشهداء و سایر ائمه مطمئناً در بین تمام مسلمانان معمول نبود و فقط شیعیان مبادرت به انجام چنین موقوفاتی کرده‌اند و البته آن هم در شرایطی که اوضاع اجتماعی ممنوعیتی برای انجام آن قایل نشده باشد. به بیانی دیگر در زمانی چنین موقوفاتی شکل می‌گرفت که شرایط سیاسی و اجتماعی کاملاً مساعد باشد.

رسمیت یافتن آیین تشیع در ایران در اندک مدتی توانست موقوفات را جهت دهد. در واقع در این دوره موقوفاتی که اختصاص به مذهب شیعه داشت رشد فراوانی کرد. پس از آنکه صفویان از تشیع متصوفانه به سوی تشیع متشرعانه سوق یافتند برخی اماکن وقفی موجود در نظام تصوف مورد بی‌مهری قرار گرفت و حتی علمای این دوره وقف بر این نوع موارد را جایز ندانسته‌اند از جمله مواردی که بر متصوفه وقف بود مذموم دانسته شد. از علامه مجلسی در رساله *نظم اللثالی* معروف به *سؤال و جواب* در این باره پرسش می‌شود که:

«هرگاه مصرف وقف را امر نامشروعی قرار دهند، مثل آن‌که ملکی را وقف کرده باشند که حاصل آن را صرف غنا و چرخ زدن که از بدعت‌های بعضی صوفیان است نمایند، چه حکم دارد؟ جواب: مشهور آن است که آن وقف باطل است.» (۱۱: ص ۲۸۷).

در این دوره وقف خانقاهی که از قرنهای قبل تداوم داشت به مرور کم‌رنگ‌تر شد و به‌طور کلی جایگاه خانقاه در جامعه آن روز متزلزل گشت. حال آنکه در دوره‌هایی، از جمله در دوره تیموری، خانقاهها از معتبرترین و کارآمدترین مکانهای وقفی بودند. البته برخی خانقاهها مانند خانقاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی - دست‌کم در ظاهر - از این قاعده

مستثنی گشتند و تا آخر روزگار صفویان کماکان بر اعتبار پیشین خود باقی ماندند. البته برخی از علمای سختگیر حتی ایراداتی بر آنان نیز وارد می‌کردند، در صورتی که عده‌ای دیگر نه تنها آنان را از این ایرادات مبرا می‌دانستند بلکه آنان را به عنوان کسانی که مروج و مدافع تشیع بوده‌اند می‌ستودند.

یکی از وقف‌نامه‌های نادری که در دست است وقف‌نامه‌ی محقق سبزواری است که تعداد ۲۷ دکان را بر مدرسه‌ای^(۱۲) در مشهد وقف نموده است. وی در وقف‌نامه‌ی خود تمجید بسیاری از پادشاه صفوی، شاه سلیمان کرده است (وقف‌نامه شماره ۵۷، مشهد).

همچنین وی در مقدمه‌ی کتاب خود روضه‌الانوار عباسی به تمجید و مدح شاه سلیمان پرداخته و او را با القاب و عبارات بسیار ستوده است (۸: ص ۵۴-۵۱) وی حتی عدم بلایای طبیعی را مدیون دولت او می‌داند و می‌گوید:

«... تا حال که عدد سنین سلطنت از بیست تجاوز نموده، در عرض این مدت آفتی عظیمه در هیچ طرف از اطراف بلاد وسیعۀ فسیحه رو نداده، چون فتنه و خونریزش و وقوع آسرو تهب و قحط و غلا و طاعون و وبا و خسف و زلزال و امراض عامه‌ی هائله و غیر ذلک، بلکه جمهور عباد و سکنه‌ی بلاد در مهاده امن و امان غنوده‌اند و در کمال فراغ بال و رفاه حال آسوده و این چنین اتفاقی کم می‌باشد و همه به برکت معدلت و حسن نیت آن اعلی حضرت است...» (۸: ص ۵۳).

وی سپس بر مردم لازم می‌داند که دست دعا بردارند و شب و روز برای دوام دولت او دعا نمایند (۸: ص ۵۴).

اظهارات محقق سبزواری شاهده‌ی بر حمایت برخی روحانیان از دولت صفویه است و اینکه آنان تا چه اندازه شرایط موجود را مدیون این خاندان و مجاهدتهای مؤسس آن می‌دانستند. اگرچه در طول این مدت علمایی نیز بودند که با دستگاه حاکمه سرسازش نداشتند و یا حکومت آنان را مشروع نمی‌دانستند. اما بیشتر آنها برای دولت صفویه مشروعیت قایل بودند تا حدی که گاه گناهان آنها را با دیده‌ی اغماض می‌نگریستند. حمایت روحانیان از حکومت صفوی گویای ارتباط تنگاتنگ آنان است که در تمام مدت حکومت این خاندان ادامه داشت و حتی تغییراتی که در برخی جنبه‌های فکری پیش آمده بود نتوانست در اصل قضیه تأثیر سوء بگذارد.

در خاتمه به این نکته باید اشاره کرد که در میان وقف‌نامه‌های مورد بررسی هیچ موردی جهت تبلیغ اسلام میان سایر ادیان و مذاهب در ایران دیده نشده است. این

مسأله از آنجا قابل توجه است که در این دوره اوج فعالیتهای میسیونرهای مذهبی است که سعی داشتند به صورت‌های مختلف میان سایر ملل به ترویج آیین مسیحیت بپردازند و ایران نیز یکی از کشورهایی بود که پذیرای بسیاری از آنان بود، اما نه تنها هیچ واکنشی در این باره نمی‌بینیم، بلکه هیچ اقدام مشابهی نیز برای ترویج و تبلیغ اسلام شاهد نیستیم. ظاهراً یگانه دغدغه فکری ایرانیان، مذهب، آن هم در داخل قلمرو کشور بود و به خارج از مرزها کاری نداشتند. به استثنای موفقاتی که بر شیعیان و سادات شهرهای مکه، مدینه، کربلا، نجف و ... وقف شده بود و این می‌توانست بر نفوذ صفویان و شیعیان در این مناطق کمک کند. هیچ سندی مبنی بر تلاش فرهنگی برای تبلیغ دین اسلام و مذهب تشیع نه در خارج از مرزها و نه حتی در میان اقلیت‌های ایران در دست نیست.

نتیجه

در ابتدای دوره صفوی اشاعه مذهب تشیع بیشتر با اعمال زور و خشونت انجام می‌پذیرفت، اما پس از مدتی اعمال زور به مفهوم اولیه آن دیگر نمی‌توانست کارایی لازم را داشته باشد، وظیفه اشاعه این آیین به جای ارباب شمشیر به اهل علم واگذار شد.

مدارس علمیه فعال شدند و نهاد آموزشی دینی با بهره‌مندی از درآمد کلان موقوفات، هدایت معنوی جامعه را برعهده گرفت و روزبه‌روز بر اعتبار و در نتیجه نفوذ این مدارس در جامعه افزوده شد. همچنین آیین تشیع به‌عنوان عاملی مهم در سیاست حکومتی، توانست موقوفات را به‌سوی تمایلات و نیازهای خود سوق دهد.

نهاد وقف سیاست شاهان صفوی را تقویت کرد و بر آن مهر تأیید زد و شاهان و دولتمردان صفوی نیز نهاد وقف را استحکام بخشیدند و به آن عظمت دادند. در واقع نهاد وقف جزئی جدایی‌ناپذیر سیاست مذهبی این خاندان به حساب می‌آمد. سیاستی که دگرگونی‌های فرهنگی- مذهبی بسیاری را برای جامعه به ارمغان آورد. تأثیرات فرهنگی- مذهبی نهاد وقف در دوره صفوی به حدی عمیق و استوار بود که هنوز پس از چند قرن آثار آن به روشنی هویدا است.

به هر حال در این دوره کمتر کسی را می‌بینیم که به نوعی با وقف یا تبعات آن ارتباطی نداشته باشد.

ضمایم

فهرست وقف‌نامه‌های دوره صفوی موجود در اداره کل اوقاف اصفهان

نام واقف	شماره ثبت	تاریخ وقف
میرزا فضل‌الله حسینی اصفهانی شهرستانی	۷۶۰	۹۶۳
میرزا احمدی	۸۱	۹۸۰
محمد مؤمن محمد حسین	۲۵۰	۱۰۱۱
شاه عباس صفوی	۲۱۰	۱۰۲۳
شیخ محمود	۲۳۷	۱۰۳۷
شبلی سلطان چرکس	۷۷	۱۰۳۸
حاجی بابرک صباغ فرزند استاد شاهقلی اصفهانی	۶۲	۱۰۴۳
محمد صادق بیک مین‌باشی	۳۳۰	۱۰۴۸
حاجیه خاور خانم	۳۶۹	۱۰۴۹
خلیفه سلطان حسینی	۴۹۸	۱۰۵۴
دلارام خانم	۱۰۶	۱۰۵۷
حوری نام خانم	۱۰۳	۱۰۵۷
محمد جابر انصاری	۱۷۴	۱۰۵۸
میرزا محمد شفیع	۱۱۶	۱۰۶۴
میرزا محمد جابر انصاری	۲۴۶	۱۰۶۴
حاج محمد علی	۱۱۴	۱۰۶۹
حاج حسین فرزند حاج نورالدین اردستانی	۴۸۰	۱۰۶۹

گوهر شاه بیگم	۱۱۱	۱۰۷۱
میرمحمد سعید نقیب حسینی معروف به میرجمله	۲۵	۱۰۷۳
خیر النساء	۶۹۷	۱۰۷۵
مادر شاه سلیمان	۱۵۱	۱۰۷۹
نجف‌قلی بیگ ناظر	۵۸۷	۱۰۸۰
آقا کافور صاحب‌جمع خزانه‌عامره	۷۱۶	۱۰۸۰
دده خاتون	۵۰	۱۰۸۳
حاتم‌بیگ	۶۴	۱۰۸۹
میرزا محمد ابراهیم وزیر آذربایجان	۹۵۴	۱۰۹۰
میرزا محمد ابراهیم وزیر آذربایجان	۴۰۳	۱۰۹۰
مروارید خانم	۲۷	۱۰۹۰
زبیده بیگم دختر شاه سلیمان	۶	۱۰۹۲/۱۰۷
محمد تقی فرزند زین‌العابدین	۳۵۶	۱۰۹۸
مادر شاه سلیمان	۲۷۹	۱۰۹۹
مادر شاه سلیمان	۵۸۰	۱۱۰۰
بدرجهان خانم	۸	۱۱۰۱
زینب بیگم	۵۲۱	۱۱۰۳
عزت نساء خانم	۳۷۶	۱۱۰۴
امیر محمد مهدی‌آه حکیم‌الملک اردستانی	۱۷۳	۱۱۰۴
حاج‌الماس عتیق	۱۰۲	۱۱۰۴

عزت نساء	۸۰۵	۱۱۰۴/۷
حاج میرزا محمد حمصی	۸۶	۱۱۱۰
حاج میرزا محمد حمصی فرزند حاج محمد اصفهانی	۳۷۷	۱۱۱۰
محمد مؤمن سیجانی	۷۱۵	۱۱۱۲
زینب بیگم	۱۰۵	۱۱۱۳
شاه سلطان حسین	۴۶۶	۱۱۱۸
سلیمان بیک یوزباشی	۲۵۷	۱۱۲۲
شاه سلطان حسین	۸۲	۱۱۲۳
علی قلی آقا	۸۴	۱۱۲۵
مریم بیگم عمه بزرگ شاه سلطان حسین	۳	۱۱۲۵/۳۱
حاج میرزا کبیر	۱۴۹	۱۱۲۶
آقا منظور یوزباشی	۳۹۸	۱۱۲۷
شاه سلطان حسین	۴۳۴	۱۱۲۸
شاه سلطان حسین	۲۰۸	۱۱۲۸
محمد هادی (به وکالت از برادرش میرزا محمد مهدی)	۶۳۴	۱۱۲۸/۳۰
زین العابدین فرزند محمد طاهر وزیر سابق	۲۶۹	۱۱۲۹
حاج مهدی خان بیک	۷۱	۱۱۲۹
حاج محمد خان غلام سرکار خاصه شریفه	۳۷۸	۱۱۲۹
حاج محمد رضا بیک	۵۷	۱۱۳۱
حشمت النساء خانم دختر محمد رضا منجم باشی	۴۰	۱۱۳۱

فهرست وقف‌نامه‌های دوره صفوی موجود در آستان قدس رضوی
بر اساس دفتر بازخوانی شده اسناد

تاریخ	شماره ترتیب	واقف
۹۳۱	۱	علی‌بن احمد بن ملک اسماعیل طوسی
۹۳۳	۲	خواجه علاء‌الدین حاجی
۹۴۰	۳	سید لطف‌الله شاه حسینی
۹۵۰	۴	امیر سید جلال‌الدین محمد بن سید لطیف شاه
۹۷۷	۵	بیگ‌آغا خانم
۱۰۰۵	۶	مهدی قلی بیگ جغتایی
۱۰۰۸	۷	گنجعلی خان زیگ
۱۰۱۱	۸	شاه عباس موسوی صفوی
۱۰۱۱	۹	مهدی قلی بیگ میر آخور باشی
۱۰۲۳	۱۰	شاه عباس صفوی
۱۰۲۴	۱۱	گنجعلی خان زیگ
۱۰۶۵	۱۲	الله‌وردی خان امیر شکارباشی
۱۰۷۵	۱۳	حاج مردادخان بیگا
۱۰۷۶	۱۴	صفی قلی خان بیگلربیگی مشهد
۱۰۷۸	۱۵	آقا سعدالدین محمد
۱۰۷۸	۱۶	عباس قلی خان بیگلربیگی خراسان
۱۰۷۸	۱۷	حاجی غلام محمدا صدیقی
۱۰۸۲	۱۸	مرتضی قلی بیگ

میر علاء الدین محمد حسین کاشانی	۱۹	۱۰۸۲
میرزا محمد زمانا	۲۰	۱۰۸۳
میرزا محمد کاملا کرمانی	۲۱	۱۰۸۴
آقا میرزا ابوطالب رضویا	۲۲	۱۰۸۸
میرزا شاه تقی الدین محمد رضوی	۲۳	۱۰۸۸
آقا خواجه محمد هاشم ولد خواجه کلیمان ...	۲۴	۱۰۹۱
حاجی میرزا ابراهیم	۲۵	۱۰۹۲
حاجی محمدبیک دیوان بیگی	۲۶	۱۰۹۲
میرزا سعدالدین محمد	۲۷	۱۰۹۳
آهو خانم	۲۸	۱۰۹۳
محمد صالح معروف به مکرمت خان ابن خواجه حسین کرمانی	۲۹	۱۰۹۶
مختار بیک و کالتا از طرف جمعی	۳۰	۱۰۹۶
آقا کافور خزانهدار	۳۱	۱۰۹۶
شاهوردی خان	۳۲	۱۰۹۷
حاجی علی اکبر اصفهانی	۳۳	۱۱۰۴
حاجی محمد صالحا	۳۴	۱۱۰۵
میرزا سید حسنا	۳۵	۱۱۰۷
بانو فاطمه خانم	۳۶	۱۱۰۹
قمرالنساء خانم	۳۷	۱۱۱۲
خواجه محمد رحیم و عده‌ای از اهالی دورود	۳۸	۱۱۱۲

رجبعلی بیگ و عباسقلی بیگ	۳۹	۱۱۱۸
میرزا محمد فرزند میرزا عادل‌خان	۴۰	۱۱۱۸
محمود بیکا	۴۱	۱۱۲۰
جعفر قلی بیکا امیر شکارباشی	۴۲	۱۱۲۵
میرزا ابوالحسن صاحب نسق	۴۳	۱۱۲۹
میرزا علاءالدین محمد	۴۴	۱۱۳۰
حاجی منصور سرکرده غاریان فیلی	۴۵	۱۱۳۱
میرزا محمد مؤمن	۴۶	۱۱۳۶
حاجی محمد یوسف بیکا	۴۷	۱۱۳۹

فهرست وقف‌نامه‌های دوره صفوی موجود در اداره کل اوقاف خراسان

نام واقف	شماره ثبت	تاریخ
الله‌وردی‌خان	۱۶۱	۹۹۶
میرزا علی اصغر حسینی	۱۲۹	۱۰۲۵
کربلایی غلامرضا	۳۴	۱۰۳۹
محمد حسن	۳۴	۱۰۵۵
مرضیه بیگم	۱۷۱	۱۰۵۶
شرف نساء بیگم	۲	۱۰۵۶
میرزایی محمد جعفر	۲۹	۱۰۷۹
میرزا محمد جعفر	۱۱۷	۱۰۷۹
ملا محمد باقر خراسانی (سبزواری)	۵۷	۱۰۸۳
عباسقلی‌خان	۵	۱۰۸۷

میرزا محمد ابراهیم رضوی	۱۴۵	۱۰۸۷
میرزا محمد جعفر شمس‌المعالی	۱۸۷	۹۱۰۸۹
میرزا عبدالله خادم	۱۹۱	۱۰۹۱
محبعلی خان	۲۵	۱۰۹۳
شاه‌وردی خان	۳۵	۱۰۹۷
حاجی محمد علی ابوالصلتی، فراش	۱۴۶	۱۱۱۹
حاج عبدالصانع	۱۸۳	۱۱۲۲
میرزا ابوالحسن صاحب نسق	۲۰	۱۱۲۹
حاج محمد رحیم ؟؟	۲۷	۱۱۳۷
حاج محمد مؤمن خادم	۳۵۰	۱۱۴۱

فهرست وقف‌نامه‌های موجود در اداره کل اوقاف کرمان

نام واقف	شماره ثبت	تاریخ
برهان‌الدین بن پهلوان محمد شاه	۱۰۸۲	۹۸۳
گنجعلی خان	۱۰۷۵	۱۰۰۸
آقا شیخ احمد بن شیخ جلال الدین	۱۰۰۸	۱۰۴۱
حاج عبدالکریم و ولد ابراهیم بن خواجه عبدالکریم براکوهی	۱۰۸۳	۱۰۷۱
پسران محمد صادق کرمانی	۲۸۸	۱۱۰۵
حاج شعبان تاجر کرمانی فرزند اغورلو آقا افشار	۸۱۷	۱۱۱۳
میرزایی غیاث الدین ولد محمد حسن صدقی	۱۱۶۰	۱۱۱۶
میرزا محمد خلف میرزا عادل خان	۱۲۰۰	۱۱۱۸
گنجعلی خان	۱۰۷۶	۱۱۲۴
خواجه عبدالرحیم و ولد محمد هاشم	۸۵۶	۱۱۳۰
خاندان قلی‌بیک	۲۲۰	۱۱۳۹

پی‌نوشت

۱- علت انتخاب این سه شهر آن بوده که تلاش شده است سه شهر با ویژگیهای متفاوت مورد بررسی قرار گیرند. اصفهان به عنوان شهری سیاسی، مشهد به عنوان شهری مذهبی و کرمان به این دلیل که نه فقط شهری مذهبی یا سیاسی نبود بلکه به دلیل موقعیت کویری و خشک آن از جنبه کشاورزی نیز ضعیف بود و فقط به دلیل قرار داشتن در مسیر تجارتهای دارای اهمیت ویژه بود.

۲- امیر محمود بن خواند میر در این مورد می‌نویسد: «و ایضاً فرمان واجب الاذعان به صدور پیوست که من بعد هر کس موافق اهل سنت نماز گزارد، تیغ بندان عتبه علیه سرش را از تن جدا سازند و جاهلان و متعصبان که قبل از اعلاى لوائى شاه ولایت در شهر و ولایت، محبان و شیعیان را تعذیب و ایذاء نموده‌اند، در آتش انتقام بگدازند. لاجرم در آن اوقات و اوان، عرصه مملکت آذربایجان به آب بی‌دریغ غازیان از لوٹ وجود بسیاری از جهال و متعصبان پاک گردانید، و دین حق و مذهب ائمه اثنی عشر رواج و رونق گرفت. جوش و خروش فرقه ناجیه شیعه و محبان خاندان به گوش مسبحان ملاء اعلى رسید.» (۵: ص ۶۶).

۳- در کتاب احسن التواریخ، «قواعد الاسلام» آورده شده است، حال آن که نام صحیح کتاب «قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام» است.

۴- حسن بیگ روملو در این باره می‌نویسد: «حکم نمود که هیچ کس املاک نخرد و قضات قبایله ننویسند و سیورغال سادات و علماء را قطع نمود و اراده داشت که مردم را به مذهب شافعی درآورد. بنابر آن لشکر قزلباش از وی متنفر شد.» (۷: ص ۶۴۷).

۵- برای انجام عمل وقف انگیزه‌های متفاوتی وجود دارد. کسب ثواب اخروی، مقبولیت نزد عامه و یافتن اعتبار دنیوی، مصون نگه داشتن اموال از مصادره، نجات اموال از تکه‌تکه شدن و غیره همه می‌تواند از انگیزه‌های واقفان برای انجام عمل وقف باشد.

۶- برای اطلاع بیشتر، به اسناد وقفی این دوره که در مقاله حاضر مورد استفاده قرار گرفته است، رجوع شود.

۷- اگر چه اظهار نظر بازرگانان و نیزی را در مورد شاه اسماعیل آنجا که می‌گوید: «این صوفی را مردم کشورش مانند خدا دوست دارند و تکریم و تعظیم می‌کنند، به خصوص سپاهیان که بسیاری از آنان بی‌زره به جنگ می‌روند و انتظار دارند که شاه اسماعیل در پیکار نگهدار ایشان باشد»، با کمی تردید باید تلقی کرد، چرا که نویسنده در ادامه مطلب ادعا می‌کند که ابرائیان «نام خدا را در سراسر ایران فراموش کرده‌اند و فقط اسم اسماعیل را به خاطر سپرده‌اند». این ادعایی است که اثبات آن ناممکن به نظر می‌رسد و احتمالاً از ضعف اطلاعات نویسنده و یا غرض‌ورزی وی سرچشمه گرفته است. اما بی‌تردید شاه اسماعیل به عنوان مؤسس سلسله و کسی که تشیع را رسمیت بخشید میان شیعیان و صوفیان جایگاهی ویژه داشته است. (۶: ص ۴۲۹-۴۲۸).

۸- مدارس از جمله مکان‌هایی بود که برای اشاعه فرهنگ مذهبی بسیار مورد توجه واقفان قرار گرفت. این مسأله با توجه به جایگاه اجتماعی واقفان این مدارس تا اندازه‌ای روشن می‌شود. بیشتر این افراد از خاندان سلطنتی یا از طبقات اشراف هستند. دلیل این موضوع از یک سو می‌تواند حمایت از سیاستهای مذهبی خاندان صفویه باشد و از سوی دیگر هزینه بسیار احداث مدرسه می‌باشد که فقط از عهده کسانی بر می‌آید که توان مالی بسیار داشتند و در واقع از خاندان سلطنتی و یا از دربار بودند. البته استثناهایی نیز وجود دارد مانند حکیم الملک اردستانی (که مدرسه کاسه‌گران را احیا کرد) و همسرش زینب بیگم (که مدرسه نیم آورد را بازسازی نمود).

۹- برای مطالعه می‌توان به تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته، مراجعه کرد. از جمله: (۹).

۱۰- تأکید بر وقف جهت چهارده معصوم گاه در میان موقوفات دیده می‌شود. همچنین نویسنده کتاب *القاب و مواجب در دوره سلاطین صفویه*، اشاره‌ای به منصب وزیر چهارده معصوم دارد. (۱۳: ص ۴۸).

۱۱- برای اطلاع از نقش موقوفات در نظام آموزشی دوره صفویان، رجوع شود به: نزهت احمدی، «تأثیر نهاد وقف بر نظام آموزشی دوره صفوی»، مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲، ص ۳۵ الی ۵۰.

۱۲- از متن وقفنامه مشخص نمی‌شود که وی مؤسس مدرسه باشد و احتمال می‌رود که وی مدرس این مدرسه بوده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

منابع

۱- احمدی، نزهت. «تأثیر نهاد وقف در نظام آموزشی دوره صفوی»، مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۰.

۲- استرآبادی، حسین. *از شیخ صفی تا شاه صفی*، به کوشش دکتر احسان اشراقی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۴.

۳- اسکندریک منشی. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج ۲، تصحیح دکتر محمداسماعیل رضوانی، تهران، ۱۳۷۷.

۴- جعفریان، رسول. *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، ج ۲، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۷۹.

۵- خواندمیر، امیر محمود. *ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی*، به کوشش محمدعلی جراحی، نشر گستره، تهران، ۱۳۷۰.

- ۶- دالساندری، وینچنتو. *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹.
- ۷- روملو، حسن‌بیک. *احسن التواریخ*، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی، بابک، تهران، ۱۳۷۵.
- ۸- سبزواری، ملامحمد باقر. *روضه‌الانوار عباسی (در اخلاق و شیوه کشورداری)*، به تصحیح اسماعیل چنگیزی اردهابی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۷.
- ۹- فرهانی منفرد، مهدی. *مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۰- قاضی احمد قمی. *خلاصه‌التواریخ*، به تصحیح دکتر احسان اشراقی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۵.
- ۱۱- مجلسی، محمدباقر. *نظم اللثانی معروف به سؤال و جواب*، گردآورنده سیدمحمدبن احمد حسینی لاهیجانی، به تحقیق سیدمهدی رجایی، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق.
- ۱۲- محقق حلّی. *شرایع الاسلام*، ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۳- نصری، علی‌نقی. *القاب و مواجب در دوره سلاطین صفویه*، به تصحیح دکتر یوسف رحیم‌لو، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۷۱.
- ۱۴- جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)، مقدمه و پیوست دکتر مضطر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۴۰۶ ق و ۱۳۶۴ ش.